



زنان نخستین قربانیان

زهرارهنورد، با انتشار بیانیه‌ای به حمله اسرائیل به ایران واکنش نشان داد. در بخش ابتدایی این بیانیه آمده است: «دست جنایت‌کار و خوی متجاوز نتانیاهاو با نقض آشکار همه موازین بین‌المللی، در یک حمله نظامی و بمباران کشورمان ایران، زیرساخت‌ها، دانشمندان و حتی جان غیرنظامیان بی‌گناه را نشانه گرفت و زن و مرد و کودک را نیز به خاک و خون کشید.» او در ادامه با بیان این جمله که «زنان همچون همیشه نخستین قربانیان از میان غیرنظامیان هستند»، نوشت: «این بار قربانیان تجاوز و بمباران، به دست جنایت‌کاری شدند که شهره زن‌گُشی و کودک‌گُشی در سطح جهان، از غزه تا ایران است؛ پرینیا عباسی، شاعر و مترجم جوان؛ زهرا شمس‌بخش، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی؛ منصوره عالیخانی، هنرمند نقاش و خانواده‌اش و ده‌ها زن دیگر...» او در پایان ضمن توصیه به حاکمیت برای پیشگیری از فرسایشی شدن جنگ، از آنها درخواست کرد که «چاره‌ای سرافرازانه برای پایان جنگ» تدبیر کنند.



در ضرورت آتش‌بس فوری

سیدمصطفی تاج‌زاده، عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب، در پیامی از زندان درباره جنگ ایران و اسرائیل نوشت: «جنگ در خاورمیانه کنونی نه راه‌حل، که خود بخش مهمی از مشکل به‌شمار می‌رود و بیشترین آسیب را به شهروندان بی‌پناه می‌زند. بسیار متأسفم که نابخردی و فرصت‌سوزی‌های متعدد داخلی، بهانه و امکان تحریم‌های کمرشکن و بدتر از آن تحمیل جنگی ویرانگر را به دولت‌های خارجی داده است.» در بخش دیگری از این متن آمده است: «حمایت از تجاوز ارتش بیگانه، آن‌هم به دستور کسی که دیوان بین‌المللی لاهه او را به جنایت جنگی متهم کرده، به نظر من، فاقد توجیه سیاسی و اخلاقی است و در ایران پسامشروطه سابقه ندارد. حساب خوشحالی و حتی سکوت جداست. من ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های داغدار و تأکید بر بحث و گفت‌وگو درباره علل شروع، زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای این جنگ مخرب در اولین فرصت مناسب، اولویت کنونی را پشتیبانی همه نیروها، با هر گرایش، از برقراری آتش‌بس فوری می‌بینم، بدان امید که راه بر دموکراسی در ایران و صلح در منطقه باز شود. حاکمیت نیز باید از هر طریق ممکن مانع گسترش جنگ و همراه‌شدن آمریکا با اسرائیل شود. برعکس باید با تمام توان در جهت توقف فوری جنگ بکوشد و زمینه را برای توافق نهایی هسته‌ای فراهم کند.»

ارضای حس انتقام را با دادخواهی یکی نگیریم

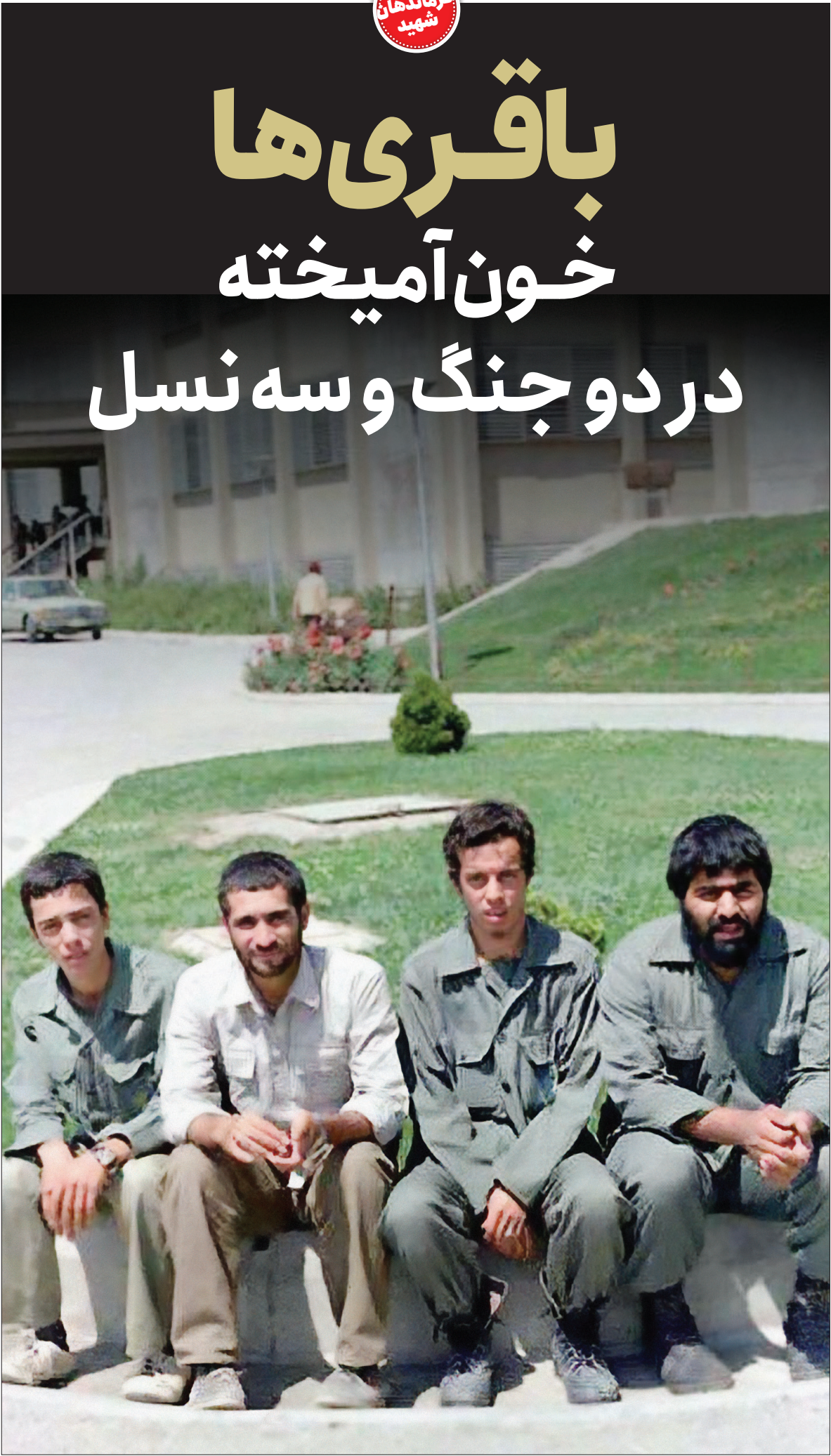
پرستو فروهر، نقاش و فعال سیاسی و فرزند داریوش و پروانه فروهر، از کشته‌شدگان قتل‌های سیاسی دهه‌ی هفتاد، در یادداشتی که در اینستاگرام خود منتشر کرد، متأثر از حمله اخیر اسرائیل به ایران، به نسبت دادخواهان و دادخواهی با شرایط امروز ایران پرداخته است. او در بخشی از یادداشتش از تلاش برای بازسازی هویت جمعی و حفظ صدا در شرایط بهت و خشم می‌نویسد: «و من مدام دنبال «اما» می‌گردم، و «اما» دنبال صدای‌مان می‌گردیم که در فشار بهت و بغض به لکت افتاده است.» او همچنین به مفهوم «دادخواهی» می‌پردازد و با مرزبندی آن از خشونت می‌نویسد: «به‌عنوان کسی که سال‌هاست تلاش‌های مدنی خود را با دادخواهی تعریف کرده است، بر خود لازم می‌بینم که ابراز تأسف عمیقی بکنم از این که می‌بینم این روزها واژه‌ی «دادخواهی» به بمب و موشک و پهپاد سنجاق می‌شود.» او همچنین می‌نویسد: «دادخواهی تلاشی است اخلاقی و انسانی و مردمی برای پاسخ‌گو کردن ساختار قدرت، برای شکستن چرخه‌ی باطل خشونت.» و در پایان هشدار می‌دهد که: «ارضای حس انتقام را با دادخواهی یکی نگیریم.»

فرماندهان
شهید

باقری‌ها

خون‌آمیخته

درد و جنگ و سه نسل



نفر دوم از سمت راست باقری و نفر چهارم محمد باقری

در حمله آمریکا به شهادت نرسیده چراکه سرنشینان هلی‌کوپترهای آمریکایی در توفان شن گرفتار شده و بعد سوخته بودند و حمله بعدی دانسته یا نادانسته جان منتظر قائم فرمانده سپاه یزد را گرفت.

چند ماه بعد اما جنگ عراق علیه ایران شروع شد و افشردی که حالا ۲۵ ساله بود به عنوان خبرنگار روانه جبهه شد اما هوش بالا و اطلاعاتی او به کار واحد تازه‌تأسیس اطلاعات می‌آمد که چندان سامانی هم نداشت و اولین کار اطلاعاتی این بود که نام دیگری برای او انتخاب شود و از این پس همه او را نه به عنوان «غلامحسین افشردی» که با نام «حسن باقری» می‌شناختند و با این وصف حالا روشن‌تر می‌شود که چرا از فرشته باقری با عنوان فرشته افشردی هم یاد شده است.

حکایت ما اما درباره محمدحسین افشردی است برادر کوچک‌تر غلامحسین افشردی.

غلامحسین یا همان حسن باقری متولد ۱۳۳۴ بود و محمدحسین، زاده ۱۳۳۹ و ۵ سالی کوچک‌تر و وقتی ۲۰ ساله بود به جبهه شتافت تا برادر را یاری کند و به هر جا پا گذاشت و خود را محمدحسین افشردی معرفی کرد باور نکردند و از فرط شباهت چهره همان حسن باقری دانستند و ناچار شد بگویند حسن نیست و محمدحسین است؛ برادر او و وقتی برادر حسن باقری بود او هم دیگر نمی‌توانست محمدحسین افشردی باشد و از این پس شد: محمد باقری.

حالا دیگر حسن باقری، جانشین فرمانده یگان زمینی سپاه پاسداران شده بود و بعد از موفقیت در دو عملیات فتح‌المبین و طریق‌القدس در بهار ۱۳۶۱ که به بازپس گرفتن بندر خرمشهر انجامید همه از نبوغ او می‌گفتند و در پشت سیمایی که به نوجوانان می‌مانست یک استراتژیست جنگ را نظاره می‌کردند.

نایفه ۲۷ ساله جنگ اما در ۹ بهمن ۱۳۶۱ در حالی که تنها ۲۷ سال داشت در مقدمه عملیات والفجر به شهادت رسید.

روزنامه اطلاعات روز بعد و در ۱۰ بهمن ۱۳۶۱ اطلاعیه ستاد تبلیغات جنگ را درباره «شهادت ۵ تن از دلاوران و فرماندهان سپاه پاسداران» منتشر کرد و نوشت: «برادر حسن باقری (افشردی) جانشین فرمانده یگان زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برادر مجید بقایی، فرمانده قوای اول کربلا، برادر مؤمنیان، برادر تقی رضوانی و برادر قلاوند روز شنبه ۹ بهمن ۱۳۶۱ در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شهادت را با آغوش باز پذیرا شدند.»

تعبیر «برادر» و «یگان» نشان می‌دهد هنوز از اعطای درجه به فرماندهان تا از آنان با لقب «سردار» یاد شود خبری نبود و هنوز نیروهای سه‌گانه سپاه هم تشکیل نشده بود و به همین خاطر به عنوان «یگان» بسنده می‌شد.

در آن اطلاعیه به منطقه فکه اشاره نشد ولی وقتی چند روز بعد اولین عملیات والفجر از فکه آغاز شد همه دانستند آن اتفاق در فکه رخ داده است.

سال‌ها بعد از پایان جنگ ایران و عراق کتاب «ملاقات در فکه» زوایای بیشتری را شرح داد و توصیفات فرماندهان ارشد سپاه درباره رفیق شهیدشان نشان داد که غلامحسین افشردی یا حسن باقری که در آن زمان تنها با لفظ «برادر» از او یاد می‌شد و از درجات نظامی خبری نبود چه جایگاهی نزد آنان داشته است.

محسن رضایی گفت وقتی خبر شهادت باقری در فکه را شنیده انگار بازوی خود را از دست داده و در مغز او انفجاری صورت پذیرفته است. مهدی زین‌الدین از آن به مثابه کوهی که بر سرمان آوار شد یاد کرد و قاسم سلیمانی تعبیر «سنگین‌ترین فقدان» را به کار برد.

از این پس دیگر نگاه‌ها به محمد باقری برادر کوچک‌تر بود که در جایگاه‌های مختلف ارتقا می‌یافت و نقش ایفا می‌کرد.

یکی از دلایل محبوبیت حسن باقری که به برادر او هم تعمیم یافت حساسیت او به میزان تلفات انسانی بود. به این معنی که برای او اولویت تحقق اهداف نظامی و فتح و ظفر نبود و بر اساس بهای جان نیروها محاسبه می‌کرد. در فیلم «موقعیت مهدی» ساخته هادی حجازی‌فر و با بازی او در نقش شهید باقری سکانس ماندگاری بر مخاطب تأثیرگذار است که حسن باقری در قبال تلفات انسانی حساسیت نشان می‌دهد و ابایی از اعتراض ندارد. هر چند روایت زندگی شهید حسن باقری در فیلم «آخرین روزهای زمستان» ساخته محمدحسین مهدویان بازتاب دارد و نقش او را مهدی زمین‌پرداز ایفا کرده با این حال آن تک سکانس «موقعیت مهدی» همچنان اثر بیشتری بر داوری مخاطب بر جای گذاشته است. در تمام سال‌های بعد محمد باقری کوشید در گفتار و رفتار چنان باشد که بر اعتبار و اشتها برادر خدشه وارد نباید. نان نام او را نخورد و چه‌بسا بی‌میل نبود به همان نام خانوادگی «افشردی» بازگردد اما اگر برادر تنها ۲۷ بهار را دید او فرصت یافت ۶۵ سال در این جهان زندگی کند و طبیعی است که دورانی بسا پرفراز و نشیب‌تر را طی کرد و شاید گراف نباشد اگر گفته شود سال ۸۸ برای او دشوارترین سال‌ها بوده چراکه برادر در مقابل برادر

مسلح که در حکم جانشین فرمانده کل قوا بوده به این فعالیت مشغول باشد چراکه می‌توانست در جایی دور از قضاوت و نظارت دیگران هم به کاری بپردازد که به آن علاقه داشت اما حرفه مورد علاقه فرشته باقری همین کار خبری و رسانه‌ای بود و این میراث عمو برای او بود و عمو شهید کسی نیست جز سرلشگر شهید حسن باقری با نام اصلی «غلامحسین افشردی.»

دانشجوی جوانی که از بدو تأسیس روزنامه جمهوری اسلامی در خرداد ۱۳۵۸ به صاحب امتیازی حزب جمهوری اسلامی و مدیرمسئولی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و سردبیری میرحسین موسوی به عنوان خبرنگار در آن مشغول شد.

متولد اسفند ۱۳۳۴ بود و در سال ۵۸ جوانی ۲۴ ساله که در چهره کم‌سن‌تر به نظر می‌رسید.

دوره متوسطه را در مدرسه مروی تهران گذرانده و دانشجوی دانشگاه تهران بود و در روزنامه جمهوری اسلامی که می‌خواست روزنامه متفاوتی باشد به کار خبری مشغول شد.

یکی از گزارش‌های او در این دوره درباره حمله آمریکا به طیس و عملیات بعدی است و گویا غلامحسین افشردی بود که کشف یا فاش کرد که محمد منتظر قائم

مهرداد خدیر

معاون سردبیر



در این واقعیت کسی تردید ندارد که شاخص‌ترین شهید عملیات تروریستی اسرائیل در سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ خورشیدی، سردار سرلشگر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است اما این تمایز تنها به خاطر جایگاه او نیست که از حیث رتبه نظامی بعد از فرمانده کل قوا تعریف می‌شود بلکه وجوه دیگری هم دارد.

نخست وجه عاطفی است چون سرلشکر باقری به اتفاق همسر و دختر خود هدف قرار گرفت و اسرائیل جان هر سه را گرفت.

دختر سرلشگر باقری جوان و البته خبرنگار بود؛ یک خبرنگار ساده در خبرنگاری دفاع مقدس تا جایی که برخی از خبرنگاران دیگر در نشست‌های خبری که او هم حضور داشته نام خانوادگی «باقری» را برای «فرشته» تنها یک تشابه تلقی می‌کردند و نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند باور کنند دختر رئیس ستاد کل نیروهای